

زنجیر آفتاب

نیکی میرزائی

niki.mirzaei@hotmail.com

خسته از صدای پرندگان زمستان و تاریکی
پنجره را به روی صبح باز می کنم
نسیم نغمه ی کیوتران
باغ را به میهمانی سرود شادی می برد
صدای باران
زندگی را در باغچه جاری می کند
لاله از چشمه بیداری می نوشد
سالک پیر امید
قصه گویان یخ های یاس را می شکند

و

با دستانی لبریز از ستاره
زنجیری از آفتاب می بافد
پرنده سرخ گلو در قفس می خواند
آرزو در نور می رقصد
دیربست که خنیاگران رهایی
بذر عشق را در کوچه ها پاشیده اند تا آزادی
بر صفحه صفحه ی تاریخ فردا برآید .